

باشد(اشتباه صورت گیرد) حتما عذر خواهی می‌کنم.

م.ح: برای جلب توجه جنس موافق خیلی راحت می‌توانم جلورفته و به او بگویم که دوستش دارم و یا اینکه با هدیه کردن یک شاخه گل، محبت خود را نسبت به او ابراز کنم.

مددکار: در مورد جنس متفاوت چه کاری می‌توان برای جلب محبت انجام داد و آیا این کار درست است یا نه؟

تمام اعضای گروه در برابر این پرسش به انحای مختلف، اظهار کردند که ایجاد رابطه و جلب محبت فردی از جنس مخالف امری ناپسند و نادرست است و به شدت از این کار پرهیز می‌کنند!

م.ح: فکر می‌کنم افراد در برابر ایجاد رابطه با جنس مخالف به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای که قصد ازدواج دارند و عده‌ای هم برای گذراندن وقت خود و پر کردن اوقات بیکاری تن به این نوع رابطه می‌دهند.

م.ت: در این نوع رابطه‌ها فرد بیشتر از اینکه طرف مقابل خود را دوست داشته باشد به خود تلقین می‌کند که او را دوست دارد و در واقع به نوعی خود را گول میزند.

م.ح: من فکر می‌کنم ایجاد این گونه رابطه‌ها ناشی از این مساله است که خانواده آزادی محدودی به فرزندان خود داده است.

م.ت: به نظر من تلویزیون و سینما این روال را به صورت غیر مستقیم خیلی تبلیغ می‌کند و همین باعث می‌شود جوانان این روابط را عادی و طبیعی تلقی کنند.

مددکار: پس می‌توان گفت نوجوانان و جوانان از این حیث به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای که به جنس متفاوت از خود اصلا فکر

نمی‌کنند و تمام فکر و ذهنشان درس و مدرسه است و عده‌ای که تمام وقت فکرشان درگیر این مساله است.

م.ح: فکر کردن تمام وقت به این موضوعات باعث افت شدید تحصیلی می‌شود.

مددکار: به جز درگیری‌های فکری که گریبان گیر دختر و پسر می‌شود، فکر می‌کنید دختر و پسری که با هم رابطه دارند، وقتی ازدواج کنند چه عواقبی خواهد داشت؟

ف.ا: از جمله پیامدهای چنین ازدواجی سوءظن و بدگمانی زن و مرد نسبت به یکدیگر و در نهایت جدایی و طلاق در اکثر موارد می‌باشد.

م.ح: وقتی این روابط به ازدواج می‌انجامد در صورت بچه دار شدن فرزند آنان نیز از روش ایجاد روابط ازدواج والدینشان الگوبرداری غلط می‌کنند!

م: افزایش سوءظن‌ها باعث درگیری ذهنی دوطرف شده و موجب می‌شود تا زن و مرد در سلامت یکدیگر تردید کنند از جمله مواردی که باعث ایجاد تمایل برقراری رابطه با جنس مخالف می‌شود: کمبود محبت، کنجکاوی و تمایل به کشف ناشناخته‌ها و... از آن جا که عدم شناخت دختر و پسر از یکدیگر باعث ایجاد مشکل و درگیری و اختلاف می‌شود بنابراین بهتر است برای جلسه آینده به موضوع تفاوت بین زن و مرد بپردازیم: از جمله تفاوت‌های جنسی، ذهنی و ایده‌ای و کلامی. اما به عنوان تکلیف دوم می‌توانیم به این موضوع بپردازیم که اصولاً منظور از ازدواج و تشکیل خانواده چیست؟

خوب حالا تمام اعضا می‌توانند نظر خود را در مورد پرداختن به

این دو موضوع مطرح کنند: اعضای گروه با بحث و تبادل نظر با یکدیگر، موافقت خود را با دو موضوع (کار کردن در طی هفته و ادامه در جلسه بعد) اعلام کردند به استثنای م.ت. او اشاره دارد که پرداختن به این موضوع به درد ما نمی‌خورد.

مددکار: برای قانع کردن شما (م.ت) باید بگویم که انسان هرگاه اطلاعاتی را کسب کند این اطلاعات ارزشمند است، و تفاوت نمی‌کند که در چه سن یا مقطعی این اطلاعات مفید کسب شود. و ممکن است در آینده بکارش آید.

م: (از این نظر حمایت می‌کند و ادامه می‌دهد که) کسب این اطلاعات باعث می‌شود ما، خطراتی که از این حیث همواره در جامعه متوجه ماست و ما را تهدید می‌کند، بشناسیم و از آن آگاه شویم. این باعث می‌شود تا حدودی از ایجاد مشکلات این چنینی در مورد خودمان جلوگیری کنیم.

مشاهدات و ارزیابی

به طور کلی عملکرد گروه در مقایسه با جلسات قبلی بهتر بود. همکاری اعضاء به خصوص افرادی که سطح همکاری پایین‌تری داشتند، بهبود یافته است و جرات اظهار نظر، ارائه و پذیرش انتقادات، افزایش یافته. صمیمیت میان اعضا بیشتر شده است و در برخوردهای یکدیگر احساس راحتی بیشتری داشتند. تعداد اعضا نسبتاً کاهش یافته و لذا با هماهنگی اعضا تصمیم به دعوت اعضای جدید شد. پدیده‌ی ائتلاف در گروه به وضوح به چشم می‌خورد و باید برای از بین بردن آن و تعدیل گروه، تدابیری به کار گرفته شود از جمله

سازماندهی نحوه نشستن و ترتیب قرار گرفتن اعضا بر روی صندلی‌ها، انجام به موقع مداخله‌ها و ...

تحلیل: فرایند تشکیل گروه تقریباً شکل عادی به خود گرفته و حسب منابع مددکاری گروهی، مرحله «تداخل و جدائی» یا همان کشمکش یا تداخل و ترکیب نمایان شده و در اظهارات و رفتار اعضا نمایان است. در این جلسه مددکاراجتماعی اقدام به عنوان منبع فکری و تجربی برای گروه، اقدام به عمق بخشیدن به مباحث اعضای گروه و باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های تازه و وسیع‌تر در باره‌ی موضوعات مطرح شده در گروه است. در واقع مددکاراجتماعی با این اقدام به غنی‌تر شدن بحث‌ها و گسترش ارتباطات و در نتیجه رشد و پیشرفت اعضای گروه کمک می‌کند و زمینه‌ی خروج از بن بست در بحث‌های گروهی را نیز فراهم نموده و به اعضا نحوی جدیدی از نگاه کردن و تفکر نسبت به موضوعات مطرح شده را آموزش می‌دهد. در این جلسه مددکاراجتماعی به طرح یک موضوعی تابویی و نیز درگیر اغلب نوجوانان و جوانان (رابطه با جنس متفاوت) می‌پردازد تا ضمن استفاده از فرایندهای گروهی بتواند به گروه در شناسایی واقعیت‌های جامعه، رفتارهای صحیح و کاهش آسیب‌پذیری در ارتباطات اجتماعی کمک نماید. بر این اساس آگاهی از بحران احتمالی هنجاری و غیرهنجاری در گروه بالا رفته و انتخاب راه حل، مشکل‌گشایی و کمک متقابل، تمرکز بر بیان نظر و افکار تمرین شده‌است. این موارد مقدمه خودشناسی و هویت‌یابی اعضا را فراهم آورده و در مواردی اصلاح خواهد ساخت.

جلسه چهارم ۹۰/۷/۱۶

حاضرین در این جلسه: م.ح.، ز.ع.، ف.م.، مددکار، دستیار مددکار؛ جلسه در ساعت ۱۶:۱۵ در محل کلینیک مددکاری تشکیل شد.

در ابتدای جلسه م.ح. در مورد مهدیه (م.ح. در جلسه پیش این case را مطرح کرد و قرار بر این شد که در این جلسه مفصل تر در این مورد صحبت شود) و خصوصیات فرد مورد علاقه‌ی وی صحبت کرد. از جمله این خصوصیات: بداخلاقی، پرخاشگری، عصبانیت و درگیری‌های فیزیکی در حین عصبانیت است. مهدیه کاملاً شیفته‌ی این فرد است در حالیکه وجود چنین ویژگی‌های منفی و معایب اخلاقی را در این فرد نادیده می‌گیرد.

مددکار: نظر هریک از شما راجع به مهدیه و فرد مورد علاقه‌اش چیست؟ و به نظر شما این انتخاب چه نتایجی را به دنبال خواهد داشت؟

ز.ع.: نمی‌توان وضعیت اخلاقی فرد را نادیده گرفت زیرا عدم توجه به این مساله حائز اهمیت، باعث ایجاد مشکلات زیادی در زندگی زناشویی می‌شود.

آ.د.: وقتی خود دختر چنین انتخابی کرده و تصمیم به ازدواج با این فرد را دارد باید به تمایل خود پاسخ مثبت دهد.

ف.م.: این احتمال هم وجود دارد که دختر به تنها هدفی که فکر می‌کند ازدواج است و مسائل مهم در خصوص ازدواج را نادیده می‌گیرد.

م.ح.: تمایل شدیدی که این دختر به ازدواج با این فرد دارد باعث می‌شود که اگر موارد بسیار خوبی با شرایط عالی ازدواج برایش فراهم